

Requirements for the Development of Public Economic Law in Development Programs

Sakineh Halvani¹, Mohammad Reza Baharestanfar^{2*}, Mohammad Hossein Jafari³, Mohammad Hossein Karimi⁴

1. Department of Public Law, Ya.C., Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2. Department of Public Law, Taft.C., Islamic Azad University, Yazd, Iran.

3. Department of Private Law, Ya.C., Islamic Azad University, Yazd, Iran.

4. Department of Private Law, Ya.C., Islamic Azad University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 55-74

Article history:

Received: 08 May 2025

Edition: 13 Jul 2025

Accepted: 01 Sep 2025

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Public Economic Law, Development Programs, Freedom of Trade, Regulation, Justice.

Corresponding Author:

Mohammad Reza Baharestanfar

Address:

Iran, Yazd, Islamic Azad University, Taft.C., Department of Public Law.

Orchid Code:

0000-0009-2156-0035

Tel:

4421805157

Email:

Mo.baharestanfar@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: Public economic law is one of the important aspects of public law. Given the increasing importance of this category of law and the current economic conditions of society, the aim of this article is to examine the requirements for the development of public economic law in development programs.

Materials and Methods: This article is descriptive-analytical. The materials and data are also qualitative, and questionnaires were used to collect the materials and data.

Ethical considerations: In this article, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Findings: The findings showed that general economic realization in development programs, including the Seventh Development Plan, requires appropriate legal frameworks. For this purpose, it is necessary to accept the principle of free trade and free market, limit government intervention in the economy to a regulatory role, implement competition and privatization rights accurately and realistically, and observe equality and proportionality.

Conclusion: Planning in Iran is not a continuous and ongoing scientific and expert practice. Therefore, the plan is prepared over a certain period of time, but during other stages of implementation, the nuclei, committees, groups, experts, researchers and theorists lose contact with the plan, while considering the continuous changes and developments of the realities and newly discovered relationships based on scientific studies, there should always be the possibility of scientific correction and supervision of the plan.

Cite this article as:

Halvani, S; Baharestanfar, M-R; Jafari, M-H; Karimi, M-H. *Requirements for the Development of Public Economic Law in Development Programs*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

الزامات توسعه حقوق عمومی اقتصادی در برنامه‌های توسعه

سکینه حلوانی^۱، محمد بهارستان‌فر^{۲*}، محمدحسین جعفری^۳، محمدحسین کریمی^۴

۱. گروه حقوق عمومی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
۲. گروه حقوق عمومی، واحد تفت، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
۳. گروه حقوق خصوصی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
۴. گروه حقوق خصوصی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حقوق عمومی اقتصادی از جمله ابعاد مهم حقوق عمومی است. با توجه به اهمیت فزاینده این دسته از حقوق و شرایط اقتصادی فعلی جامعه، هدف مقاله حاضر بررسی الزامات توسعه حقوق عمومی اقتصادی در برنامه‌های توسعه است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد تحقق عمومی اقتصادی در برنامه‌های توسعه از جمله برنامه هفتم توسعه نیازمند بسترهای حقوقی مناسب است. برای این منظور لازم است اصل آزادی تجارت و بازار آزاد پذیرفته‌شده و دخالت دولت در اقتصاد به ایفای نقش تنظیم‌گری محدودشده، حقوق رقابت و خصوصی‌سازی به‌صورت دقیق و واقعی اجرا شود و برابری و تناسب رعایت گردد.

نتیجه: برنامه‌ریزی در ایران یک عمل مستمر و مداوم علمی و کارشناسی نیست. لذا برنامه در طی یک مدت معین تهیه می‌شود ولی طی مراحل اجرا دیگر، هسته‌ها، کمیته‌ها، گروه‌ها، کارشناسان و پژوهشگران و نظریه‌پردازان ارتباطشان با برنامه قطع می‌شود؛ درحالی‌که با توجه به تغییر و تحولات مداوم واقعیت‌ها و روابط تازه کشف‌شده بر مبنای مطالعات علمی، همواره باید امکان اصلاح و نظارت علمی بر برنامه وجود داشته باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۴-۵۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق عمومی اقتصادی، برنامه‌های توسعه، آزادی تجارت، تنظیم‌گری، عدالت.

نویسنده مسئول:

محمد بهارستان‌فر

آدرس پستی:

ایران، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفت، گروه حقوق عمومی

تلفن:

4421805157

کد ارکید:

0000-0009-2156-0035

پست الکترونیک:

Mo.baharestanfar@iaui.ac.ir

۱. مقدمه

حقوق عمومی اقتصادی شامل قواعدی است که نحوه مداخله دولت در اقتصاد و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی را تعیین می‌کند. حقوق مالکیت و خصوصی‌سازی، عدالت و برابری در مؤلفه‌های اقتصادی و پذیرفتن حقوق رقابت از مهم‌ترین عناصر حقوق عمومی اقتصادی است. به عبارت دیگر، حقوق عمومی اقتصادی به بررسی اصول و قواعدی می‌پردازد که دولت را در نقش تنظیم‌گر و ناظر بر اقتصاد هدایت می‌کند و چارچوبی برای فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف فراهم می‌سازد. جایگاه اصول حقوق عمومی اقتصادی مانند حمایت از مالکیت، آزادی و برابری اقتصادی، تضمین و تخصص در ایران در حقوق اساسی اقتصادی پذیرفته شده است. علی‌رغم اهمیت این اصول به نظر می‌رسد اصول پیش رو، با مشکلاتی در باب اصل تناسب در برنامه‌های توسعه، زمینه تحقق اقتصاد را نتوانسته است فراهم نماید، لذا سبب شده است تا فرصت رقابت برای تناسب و برابری در عرضه اقتصادی ایجاد نشود. اصل آزادی مالکیت با تهدیدات جدی در حوزه دارایی مواجه است و فرایند مالکیت که منجر به بیشینه شدن ثروت عمومی گردد و مکانیزمی را به دنبال داشته باشد که دارائی به سرمایه تبدیل شود را به دنبال نداشته است. اما با این وجود، تحریم‌ها شرایطی را ایجاد می‌کنند که فضای سرمایه‌گذاری کشور نابرابر و نامطمئن شود و فرار سرمایه ایجاد شود. کاهش سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه مالی موجب عدم برابری ظرفیت‌های زیربنایی و تولیدی و رکود می‌شود و مهاجرت نیروهای تحصیل کرده را افزایش می‌دهد. علی‌رغم سابقه طولانی برنامه‌ریزی پیشرفت و توسعه در کشور و علی‌رغم تلاش‌های دست

اندرکاران و نهادهای دخیل و اختصاص اعتبارات گسترده، حال که در حدود یک سال از تصویب و اجرای برنامه هفتم توسعه، کوشش برای یک بازنگری اساسی و بهبود هرچه بیشتر فرآیند برنامه‌ریزی پیشرفت و توسعه امری بسیار قابل‌تأمل خواهد بود، زیرا در صورت تداوم وضعیت رشد اقتصادی این دهه در افق برنامه هفتم، حتی در صورت اجرای سیاست‌های رفاهی (مبتنی بر باز توزیع منابع)، وضعیت رفاهی خانوارهای طبقه متوسط بدتر خواهد شد و نرخ فقر روندی فزاینده خواهد داشت و به نظر می‌رسد به دلیل رشد منفی موجودی سرمایه در بسیاری از بخش‌های اقتصادی عملاً ظرفیت تولید یا رشد بالقوه اقتصاد ایران نیز کاهش یابد. بر اساس آنچه گفته شد هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که الزامات توسعه حقوق عمومی اقتصادی در برنامه‌های توسعه چیست؟ در این مقاله تلاش شده ابتدا الزامات اقتصادی و در ادامه الزامات حقوق عمومی در این خصوص تبیین و تحلیل شود.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد تحقق عمومی اقتصادی در برنامه‌های توسعه از جمله برنامه هفتم توسعه نیازمند بسترهای حقوقی مناسب است. برای این منظور لازم است اصل آزادی تجارت و بازار آزاد پذیرفته‌شده و دخالت دولت در اقتصاد به ایفای

بنگاه تجاری و رقابت و همه اصول و حقوق اقتصادی مذکور ابعاد متنوع اصل آزادی تجارت و صنعت هستند و همانند حلقه‌های زنجیری به یکدیگر متصل هستند.

همواره میان مفهوم بازار آزاد یا اصل آزادی، تجارت به‌عنوان نهاد و به‌عنوان نظام اختلاطی به وجود می‌آید این دو مفهوم عملاً بستگی نزدیکی به یکدیگر دارند در یک نظام با شیوه بازار آزاد یا اقتصاد بازاری نهادهای نابازاری کمتری وجود دارد و موانع کمتری بر سر راه عملکرد آزاد مکانیزم بازار آزاد قرار دارد نهاد بازار عبارت است از مکانی برای دادوستد که مجموعه شرایط و ساختارهای دادوستد در آن به‌موجب مکانیزمها و فرایندهای تنظیم بازار ایجاد شده باشد.

دولت در نظام بازار آزاد یا سیستمی که آزادی تجارت در آن حکم‌فرماست با عدم‌مداخله مواجه است یعنی دولت نقش بسیار محدودی به انجام وظایف کلاسیک دارد. معمولاً این دولت برای تأمین امنیت خارجی ارتشی را اداره می‌کند و برای تأمین امنیت داخلی، نیروی پلیس را به وجود می‌آورد. همچنین مجموعه‌ای از قوانین را برای تنفیذ و تضمین حقوق مالکیت خصوصی و قراردادهای میان افراد برقرار می‌سازد و اجرای آن را به عهده می‌گیرد ای دولت برای سهولت مبادلات، استانداردها مقیاس‌ها و معیارهای اندازه‌گیری را تعیین و لازم‌الاجرا می‌کند.

در خصوص عنصر بازار آزاد و حقوق اقتصادی عمومی باید گفت که این مفهوم، شامل سه دوره متمایز می‌باشد: «دوره مداخله‌گرایی، دوره خصوصی‌سازی، دوره تنظیمی، تقسیم مزبور صرفاً بر اساس تغییر در نوع مداخلات قوای عمومی در اقتصاد نیست بلکه تحول در نظارت قضایی بر اعمال موضوع حقوق اقتصادی عمومی در این

نقشم تنظیم‌گری محدود شده، حقوق رقابت و خصوصی‌سازی به‌صورت دقیق و واقعی اجرا شود و برابری و تناسب رعایت گردد.

۵. بحث

۵-۱. الزامات اقتصادی

تجارت و کسب‌وکار آزاد، حقوق رقابت و حمایت از حقوق مالکیت از عناصر اقتصادی حقوق عمومی اقتصادی است. در این قسمت به الزامات توسعه حقوق عمومی اقتصادی در برنامه‌های توسعه در خصوص مؤلفه‌های مورد اشاره پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. پذیرش اصل آزادی تجارت و

بازار آزاد

حقوق اقتصادی عمومی در چارچوب حرکت خود، تحقق اهداف و اصولی را پیگیری می‌کند، که در درجه نخست و علیرغم ماهیت و اقتضای قواعد خود، تحقق حقوق بنیادینی را مدنظر قرار می‌دهد که در نگاه نخست، از اصول اساسی حاکم بر اقتصاد آزاد به شمار می‌روند. به‌طور مثال قواعد حقوق اقتصادی عمومی تضمین‌کننده حق مالکیت، حق آزادی انتخاب شغل، آزادی تجارت، حق رقابت عادلانه، آزادی قراردادی و سایر اصول تأمین‌کننده حقوق فردی است ولی باین‌حال هدف از وضع این قواعد درنهایت تأمین منافع عمومی می‌باشد (پروین، ۱۳۹۳، ۱۷۶).

اصل آزادی تجارت یا بازار آزاد یکی از مهم‌ترین فرض اقتصاد مدرن در گردش گسترده اقتصادی و مبادلات در بازار است. اما خود مبادله یا آزادی اقتصادی، در اکثر قوانین اساسی واجد ارزش حقوق اساسی شده است. اصل مذکور بسیار گسترده و آزادی‌های مختلفی تحت آن قابل طرح است. مثل آزادی انتخاب حرفه، آزادی معاملات، آزادی قیمت‌گذاری کالا و خدمات، مدیریت آزاد

تقسیم‌بندی نقش اساسی دارد» (مؤذنی، ۱۴۰۳، ۲۵). دوره طلایی حقوق اقتصادی عمومی مربوط به دوره مداخله‌گرایی قبل از دهه ۸۰ میلادی در اکثر کشورهای اروپایی است. دوره‌ای که بعد از جنگ جهانی شروع شده و تا اواسط دهه مذکور به طول انجامیده است. مهم‌ترین ابزار دگرگونی در حقوق اقتصادی عمومی سنتی، خصوصی‌سازی بود. البته تا حدودی هم مقررات زدایی نقش ایفا نمود. در اثر واگذاری‌های گسترده‌ی سهام شرکت‌های بزرگ دولتی به بخش خصوصی، اقتصاد دولتی به اقتصاد مختلط مبدل شد. «جنبش مقررات زدایی و خصوصی‌سازی که چالش اساسی در ساختار قبلی حقوق اقتصادی عمومی به وجود آورده بودند، موجب توسل به ایده جدید خود، یعنی حقوق عمومی تنظیمی گردیده است» (یاوری، ۱۳۹۳، ۶۳۳). بر مبنای همین نقش تنظیم‌گری، دولت با توجه به ماهیت تنظیم ساز خود در عرصه عمومی می‌تواند موفق‌تر عمل کند. امروزه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی کنشگران و بازیگران اصلی توسعه و حق بر توسعه در دنیا هستند. استخراج و فروش نفت، احداث بزرگراه‌ها و جاده‌ها، پل‌ها و توسعه شهری و بهره‌برداری از معادن بزرگ توسط دولت‌ها و از طریق بودجه‌های عمومی صورت می‌گیرد لذا نقش مهمی برای دولت‌ها در این میان می‌توان قائل بود. آن چیزی که می‌تواند دولت‌ها را به‌عنوان بازیگران اصلی مقید به تحقق و رعایت اصول توسعه پایدار نماید، تدوین و تقنین قوانین و مقررات لازم‌الاجرا برای ضمانت این اصول می‌باشد.

در راستای تحقق آزادی تجارت و بازار آزاد به‌عنوان یکی از ابعاد حقوق عمومی اقتصادی لازم است دولت، حداقل دخالت در بازار آزاد داشته و

به نقش مهم تنظیم‌گری بپردازد. یکی از ویژگی‌های بازار خودتنظیم‌گری است؛ به این معنا که سازوکارهای داخلی بازار خود و بی‌آنکه نیرویی بیرونی در آن مداخله کند، می‌تواند هدف اقتصاد که تخصیص بهینه منابع باشد را تأمین کند. اما در این میان برخی ایرادها در بازار به وجود می‌آید که در جریان این فرایند اخلاقی ایجاد کرده و مانع از تخصیص بهینه منابع می‌گردد. از جمله عواملی که موجب اخلاقی می‌گردد می‌توان به انحصار، عدم تأمین کالاهای عمومی و از این قبیل اشاره کرد. مواردی که موجب بروز بحران‌های اقتصادی متعدد در ادوار مختلف شده است. بحران‌های دوره‌ای که به‌رغم برخی از اقتصاددانان ذاتی نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد است. این بحران‌ها هر یک در مطرح‌شدن ضرورت مداخله نیروی فراتر از بازار نقش عمده‌ای داشته‌اند. امروزه تنظیم‌گری با مفهومی دیگر با عنوان حکمرانی عجين شده است. حکمرانی نوعی از اعمال حاکمیت محسوب می‌شود که مبتنی بر دیدگاه قدرت توزیع‌شده است و دیگر دولت را به‌عنوان تنها قدرت بلامنازع در کنترل عمومی تلقی نمی‌کند. براساس این مفهوم، قدرت تنها در اختیار دولت نیست؛ بلکه قدرت‌های دیگری از جمله اصناف، گروه‌های سیاسی و اجتماعی و مانند آن وجود دارند که می‌توانند در هدف اصلی حکومت که تأمین منفعت عمومی است نقش‌آفرینی کرده و نمی‌توان از جایگاه و تأثیر آن‌ها چشم‌پوشی کرد.

۵-۱-۲. پذیرش محدودیت دخالت

دولت در اقتصاد

در راستای تحقق اصل بازار آزاد و آزادی کسب‌وکار به‌عنوان یکی از حقوق عمومی اقتصادی لازم است که دخالت دولت در بازار کم و

محدود شود. نظم اقتصادی از تنظیم‌گری حقوقی ناشی می‌شود. یکی از نقاط عطف در ارتباط با نظام تنظیم‌گری کشور، تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در سال ۱۳۸۷ است. براساس ماده ۵۳ این قانون، شورایی به‌عنوان شورای رقابت تشکیل می‌شود تا اهداف مربوط به تسهیل رقابت و منع انحصار را محقق سازد. همچنین قانون در ماده ۵۹، شورای رقابت را موظف کرده در حوزه کالاها یا خدماتی که مصداق انحصار طبیعی است، پیشنهاد تأسیس تنظیم‌گر بخشی را به هیات وزیران تقدیم کند. هم‌اکنون بیش از یک دهه از تصویب این قانون می‌گذرد و هیچ‌یک از تنظیم‌گران بخشی نتوانستند مجوز تأسیس دریافت کنند. در ادامه چالش‌های تنظیم‌گری در ایران موردبررسی قرار می‌گیرد.

در سال‌های اخیر عبارت خصوصی‌سازی دال گفتمانی اصلاحات اقتصادی قلمداد شده و بیش از آنچه باید بر طبل آن می‌کوبند. حال‌آنکه راه طولانی باید پیموده شود تا بستر واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی فراهم شود. یکی از مشکلاتی که در حوزه خصوصی‌سازی وجود دارد این است که خصوصی‌سازی بی‌آنکه به زمینه‌های آن توجه شود خود مستقلاً مطمح نظر قرار می‌گیرد. در صورتی‌که پیش از آنکه خصوصی‌سازی عملیاتی شود می‌بایست بازار دستخوش آزادسازی و تنظیم‌گری شود. بی‌توجهی به این نکته موجب می‌شود بازارهایی که پیش‌ازاین از معضلاتی، چون انحصار رنج می‌بردند، پس از واگذاری به همان معضل مبتلا باشند و خصوصی‌سازی تغییری در معادلات بازار یادشده ایجاد نکند (مؤذنی، ۱۴۰۳، ۲۶). از این‌رو می‌توان گفت پیش و بیشتر از واگذاری بنگاه‌های

دولتی آنچه در حال حاضر می‌بایست مدنظر قرار گیرد تنظیم‌گری است. ازجمله کوشش‌هایی که در راستای تأسیس نهادهای تنظیم‌گر انجام‌شده می‌توان به تنظیم‌گران بخشی و تنظیم‌گران صنفی و تخصصی اشاره کرد. سازوکار تأسیس تنظیم‌گران نوع اول در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ پیش‌بینی شده است، اما هنوز باتوجه به نقص‌هایی که در این زمینه وجود دارد شاهد تأسیس حتی یک‌نهاد تنظیم‌گر بخشی مستقل نیستیم. در مورد تنظیم‌گران صنفی و قانونی هم لایحه اصلاح و دائمی شده قانون مدیریت خدمات کشوری - که در سال ۱۳۹۶ تقدیم مجلس شد - احکامی پیش‌بینی شده بود. اما مجلس در اقدامی کم‌سابقه با تصویب کلیات لایحه رسیدگی به جزئیات را به زمان دیگری موکول کرده و به استناد تصویب کلیات قانون مدیریت خدمات کشوری را دائمی شده تلقی کرد.

البته ایده تأسیس تنظیم‌گران صنفی و تخصصی آن‌چنان‌که در لایحه (بند ۱۵ و در قالب ماده ۲۱ مکرر ۲) مطرح گشته خالی از اشکال نبود. اشکال اولی که می‌توان مطرح کرد اینکه ایده‌ای با ابعاد تأثیرگذاری گسترده قابلیت آن را ندارد که در مرحله دائمی شدن قانون مدیریت خدمات کشوری بدان افزوده شود و می‌بایست خود دوره اجرای آزمایشی را بگذرانند. همچنین با توجه به اینکه این نهادها عهده‌دار امر مقررات‌گذاری نیز در کنار سایر کار ویژه‌ها هستند، سپردن اختیار تصویب اساسنامه این نهادها به دولت در حقیقت سپردن اختیار مقررات‌گذاری در عرصه‌های مختلف بدون حدودمرز به دولت است. افزون بر ایرادات حقوقی، یکسری ایرادات تنقیحی نیز به این بند گرفته می‌شود؛ ازجمله آن‌ها ارتباط این

بند با قانون نظام صنفی (عزیزنژاد و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۹).

در نظام حقوقی ایران براساس آخرین مقررات، قانونی دولت در ورود به بازار و انجام فعالیت‌های اقتصادی محدود شده است و در موارد خاص کسب مجوز قانونی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، دولت ضروری است اما وقتی دستگاه دولتی ایران اقدام به فعالیت اقتصادی نماید، دارای امتیازات ویژه مثل نرخ‌گذاری خارج از شبکه اقتصادی (ماده ۹۰ قانون صنفی)، و تملک اراضی دیگر آن و ... است در حقوق، ایران امتیازاتی که برای بخش دولتی مطرح شده است تماماً در مورد شرکت‌های دولتی نیز صادق است. از سوی دیگر از آنجا که منابع ارزی و بانکی کشور عمدتاً در اختیار بخش دولتی است و شرکت‌های دولتی معمولاً با ارائه ضمانت‌های بدون وثیقه از اعتبارات بانکی برای اجرای طرح‌های خود استفاده می‌نمایند و همچنین شرکت‌های دولتی می‌توانند برای اجرای طرح‌های خود از قانون تملک اراضی املاک اشخاص را تملک نمایند و با لحاظ ماده ۹۰ قانون صنفی که شرکت‌های دولتی را از رعایت نرخ‌گذاری بخش خصوصی معاف نموده است. جمع این امتیازات موجب می‌شود که شرایط برابری برای فعالیت بنگاه‌های خصوصی با دولتی و حتی با نهادهای عمومی غیردولتی وجود نداشته باشد در این خصوص لازم به ذکر است قانون اجرای اصل ۴۴ نه تنها این نابرابری را کاهش نداده است بلکه با خاص کردن مداخلات دولت در فعالیت‌های اقتصادی بر تشدید نابرابری مذکور افزوده است (مؤذنی، ۱۳۹۳، ۲۲۲)، اما تنظیم گری دولت در ایران در راستای تحقق آزادی کسب‌وکار به‌عنوان یکی از عناصر مهم

حقوق عمومی اقتصادی با چالش‌هایی مواجه است که لازم است رفع شود.

۵-۱-۲-۱. توسعه نظام تنظیم‌گری

در هر نظامی رشد بخش‌ها نیازمند اتخاذ رویکرد واحد و کلی است و در غیر این صورت با مجموعه اقدامات ضدونقیض مواجه خواهیم بود که در تحقق اهداف ناتوان هستند. یکی از مشکلاتی که موجب ناهماهنگی و عدم توازن در توسعه نظام تنظیم‌گری شده، فقدان رویکرد واحد و یکپارچه است. این مهم در فرآیند توسعه تنظیم‌گری در ایران نمایان است و موجب شده این نظام در بخش‌هایی بسیار فربه شده و در بخش‌های دیگر رشد بایسته را نداشته باشد. در این راستا نیاز است سیاست‌های توسعه نظام تنظیم‌گری در کشور تدوین شود تا براساس آن خط‌مشی قوه تقنین و دستگاه‌های اجرایی در این زمینه تعیین شود. توسعه تنظیم‌گری در کشور نیازمند یک بستر بوده و شامل دو بخش هنجاری و نهادی است. در بستر هنجاری، توسعه تنظیم‌گری نیازمند قانون جامع است تا تمام فعالیت‌های توسعه و تسهیل تنظیم‌گری به‌صورت قانونمند انجام پذیرد. لازمه دیگر توسعه تنظیم‌گری پیگیری مستمر موضوع و اعمال نظارت بر فرآیند توسعه است که جز از طریق نهادسازی امکان‌پذیر نخواهد بود. در راستای چالش‌های فوق تصویب قانون جامع نظام تنظیم‌گری و تأسیس سازمان توسعه تنظیم‌گری از طریق ارائه لایحه یا طرح پیشنهاد می‌شود.

۵-۲-۲-۱. حفظ استقلال رویکرد تنظیم‌گری

برای حفظ استقلال رویکرد تنظیم‌گری لازم است از تسخیر تنظیم‌گری ممانعت به عمل آید. تسخیر تنظیم‌گری به معنای به حاشیه رانده شدن منافع عمومی در اقدامات و تصمیم‌گیری‌های نهاد

حکایت از تسخیر یک‌نهاد تنظیم‌گر دارد. البته در این باره بانک مرکزی تنها مصداق نیست و مصادیق دیگری همچون بیمه مرکزی و از این قبیل دارد. چاره کار پیش‌بینی سازوکارهایی جهت تأمین استقلال این نهادهاست. از جمله مواردی که می‌تواند در استقلال این نهادها مؤثر باشد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) نحوه انتصاب ارکان نهاد (۲) دوره ریاست اعضا و نحوه برکناری آن‌ها (۳) استقلال مالی (۴) استقلال در تصمیم‌گیری، نظارت و پاسخگویی بانک‌ها.

۵-۱-۲-۳. تفکیک میان نهادهای

متولی سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری

با نگاهی جامع به نهادهای تنظیم‌گر در نظام جمهوری اسلامی در می‌یابیم این نهادها یک طیف رنگارنگ از نهادهای حاکمیتی تا نهادهای غیردولتی خصوصی را تشکیل می‌دهند. این موضوع می‌تواند یک نقص محسوب شود. چراکه در بعضی از این نهادها کار ویژه‌های سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و ... متمرکز شده است. در فضایی که قدرت در آن به صورت توزیع شده است، تفکیک میان کار ویژه‌های سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری امری لازم بشمار می‌رود و لازم است هر یک از این نهادها یکی از کار ویژه‌های سیاست‌گذاری یا قانون‌گذاری را اعمال کنند. معضل دیگر ناشی از این عدم تفکیک، عملی نشدن بایسته سیاست‌هاست. در صورتی که تفکیک میان کار ویژه تنظیم‌گری و سیاست‌گذاری وجود نداشته باشد، موجب می‌شود سیاست‌ها آن‌طور که باید در عرصه اجرا عملی نشود. حال آنکه در صورت تحقق این تفکیک، نهادهای تنظیم‌گر می‌توانند سیاست‌ها را با در نظر گرفتن ملاحظات بازار و از طریق ابزارهای در

تنظیم‌گر و جایگزین شدن اهداف و غرائض شخصی، گروهی و سازمانی است. این وضعیت گاه از طریق اقدامات غیررسمی و غیرشفاف کارگزاران و ذی‌نفعان انجام می‌شود و گاه از طرق رسمی و در وضعیتی شفاف. نتیجه هر دو اما یکی است و اینکه منافع عمومی که می‌بایست با به کارگیری ملاحظات تخصصی تأمین شود، کمرنگ می‌شود. یکی از چالش‌های موجود در نظام تنظیم‌گری ایران تأثیرپذیری نهادهای تنظیم‌گری است که می‌بایست از دولت فاصله گرفته و به صورت مستقل و تنها با در نظر گرفتن ملاحظات فنی و تخصصی به تنظیم‌گری بپردازند. مثال بارز این نکته بانک مرکزی است. بانک مرکزی به عنوان تنظیم‌گر حوزه بانکی در سال ۱۳۳۹ تأسیس شده و عهده‌دار وظایفی شد که پیشتر توسط بانک ملی انجام می‌گردید. به موجب بند الف ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی مسئول تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری براساس سیاست کلی اقتصادی کشور می‌باشد. مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی در نظام‌های اقتصادی ایجاد ثبات پولی و مالی است و این نهاد برای تأمین این مهم نیازمند استقلال نظر و عملکرد است. این استقلال می‌تواند جنبه‌های مختلفی اعم از قانونی، عملیاتی، سیاسی و اقتصادی داشته باشد. به گواه آمار استقلال بانک مرکزی ایران در مقایسه با کشورهای دیگر در وضعیت بشدت نامناسبی قرار دارد. براساس پژوهشی در این زمینه با مقایسه استقلال بانک مرکزی در ۹ کشور نفتی، بانک مرکزی ایران در رتبه هشتم قرار می‌گیرد (عزیزنژاد و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۹) این حقیقت به صراحت در ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی تجلی یافته و به موجب آن بانک مرکزی به عنوان بانکدار دولت معرفی شده است. تمامی نکات فوق

دسترس خود همچون مقررات، تعرفه گذاری‌ها، رسیدگی به اختلافات و مانند آن اجرایی سازند.

۵-۱-۲-۴. رفع چالش‌های مربوط

شورای رقابت و تنظیم‌گران بخش

شورای رقابت به‌عنوان یک تنظیم‌گر کارکردی، دو وظیفه عمده مقابله با رویه‌های ضد رقابتی و تأسیس تنظیم‌گران بخشی را داشت. اما پیش عملکرد این نهاد بیانگر عدم توفیق بایسته در راستای هدف اخیر است. لازم به ذکر است هرچند این نهاد در تأمین هدف اول توفیق نسبی داشته با مطلوب فاصله بسیار دارد. یکی از راه‌های افزایش دامنه تأثیرگذاری شورای رقابت، گسترش ساختار شورا به استان‌هاست.

فارغ از کار ویژه اول شورای رقابت، کار ویژه دوم آن یعنی تأسیس نهادهای تنظیم‌گر بخشی در ماده ۵۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ آمده بود. اما پس از طی قریب به یک دهه و پی بردن به ناکارآمدی این حکم قانونی، ماده مزبور در سال ۱۳۹۷ توسط مجلس دستخوش اصلاح شد. به‌موجب ماده جدید شورای رقابت در تأسیس تنظیم‌گران بخشی نه اختیار، بلکه تکلیف داشت. اصلاح دیگر ماده مربوط به حوزه عملکرد تنظیم‌گران بخشی بود. به‌موجب ماده سابق حوزه عملکرد تنظیم‌گران بخشی حوزه انحصارات طبیعی بود. اما در اصلاحیه ماده، دامنه عملکرد این نهادها به تمام حوزه‌های انحصاری گسترش یافت.

تفاوت دیگری که در ماده سابق و لاحق دیده می‌شود روند تأسیس نهاد تنظیم‌گر بخشی است. به‌موجب ماده سابق، اساسنامه نهاد تنظیم‌گر بخشی توسط شورای رقابت به هیات وزیران تقدیم می‌شد و هیات وزیران مرجع تصمیم‌گیری در این رابطه بود. حال آنکه پس از اصلاح، تأسیس

نهاد مزبور نیازمند تصمیم قانون‌گذار بوده و در این راستا هیات دولت موظف شده است در مهلت تعیین‌شده (سه ماه پس از تقدیم اساسنامه از جانب شورای رقابت) اقدام قانونی لازم (تهیه و تقدیم لایحه تأسیس نهاد یادشده به مجلس) را انجام دهد (ملکی، ۱۴۰۲، ۴۵).

چالش اصلی در این حوزه، فقدان ضمانت اجرای تکلیفی است که بر عهده هیات دولت گذاشته شده است. در این صورت و پس از تقدیم اساسنامه نهاد مزبور توسط شورای رقابت، هیات دولت متشکل از وزیران مربوطه (مرتبط با نهاد تنظیم‌گر) موردبررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه تأسیس نهادهای تنظیم‌گر بخشی، در حقیقت قسمتی از صلاحیت‌های تنظیم‌گرانه وزارتخانه‌ها را از آن‌ها سلب می‌کند، طبیعی است نهادهای اخیرالذکر تمایل چندانی به تأسیس این تنظیم‌گران ندارند. فقدان ضمانت اجرایی هیات دولت نیز مزید بر علت شده، مانع از تأسیس نهادهای تنظیم‌گر بخشی مطابق با الگوی بایسته آن می‌شود. اگر سخنی هم از تنظیم‌گران بخشی توسط وزارتخانه به میان آید، با الگوی بایسته یک‌نهاد تنظیم‌گر مستقل مطابقتی ندارد. چنانکه در اساسنامه تنظیم‌گر حوزه برق که اخیراً از جانب هیات وزیران به مجلس تقدیم شده و دبیرخانه نهاد یادشده ذیل وزارت نیرو قرار داده شده است. این مهم یکی از موارد مستعد برای تسخیر نهاد تنظیم‌گر توسط وزارتخانه یادشده است. مضافاً وزارت نیرو و واحد زیرمجموعه آن توانیر، مالک تأسیسات اصلی صنعت برق است و جمع میان وظایف ارائه کالا یا خدمت با وظیفه تنظیم‌گری می‌تواند آثار نامطلوبی برجای گذارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸، ۱۴). ایراد دیگری که می‌توان نسبت به ماده اصلاح‌شده

طرح کرد، عدم تفکیک میان نهاد تنظیم‌کننده رقابت با تنظیم‌گران بخشی است. یکی از نقاط بارز این موضوع قسمت اول بند ب تبصره ۲ ماده ۵۹ است که به ترکیب نهاد تنظیم‌گر بخشی پرداخته و عضویت دو قاضی را جهت عهده‌دار شدن وظایف ماده ۶۱ ضروری دانسته است (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۹، ۱۷-۸). ایراد یادشده از آن رو وارد است که تنظیم‌گری در حوزه حقوق عمومی رقابت با تنظیم‌گری در حوزه انحصارات طبیعی متفاوت از یکدیگر هستند و باتوجه به مقتضیات تخصصی و فنی، تمرکز تنظیم‌گری حوزه رقابت در یک‌نهاد تنظیم‌گر ضروری می‌نماید. علاوه بر این قرار گرفتن دبیرخانه این نهادهای تنظیم‌گر بخشی در مرکز ملی رقابت شبهه عدم استقلال آن‌ها از شورای رقابت را به ذهن متبادر می‌کند.

۵-۳. اجرای سیاست‌های رقابتی

رقابت یکی دیگر از موضوعات و عناصر مهم حقوق عمومی اقتصادی است. البته در ایران این موضوع بیشتر حول موضوعاتی است که محتوای اقتصادی دارند و دامنه بحث‌های حقوقی نمی‌گنجد و به موضوعاتی مانند نقش دولت در تخصیص صحیح منابع بررسی کاستی، بازار، کارایی پویایی تولید مقررات مربوط به تبانی و تمرکز شرکت‌ها در عرصه رقابت پرداخته‌شده است (علاءالدینی، ۱۳۸۸). ولی باید در نظر گرفت که حقوق عمومی اقتصادی جنبه‌هایی از اصل رقابت را موردبررسی قرار می‌دهد (منوری، ۱۳۸۸). ازجمله مهم‌ترین پایه‌ها و ارکان حقوق رقابت می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: اعتقاد به بازار آزاد و عدم لزوم دخالت حداکثری دولت به‌منظور ایجاد رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی، اعتقاد به تحقق کارایی اقتصادی از طریق رقابت و اعتقاد

به دخالت کلان دولت به‌منظور تحقق عدالت اجتماعی. یکی از مهم‌ترین مکاتب اقتصادی در این رابطه، مکتب کلاسیک است. «اقتصاددانان کلاسیک از نظم بازار و به‌عبارتی دیگر بازار رقابتی، به‌عنوان بهترین سازوکار هماهنگی و تخصیص منابع یادکرده‌اند و به عقیده ایشان، در این نظام تحرک منابع و عوامل تولید بسیار بالاست، مشارکت‌کنندگان از اطلاع کافی برخوردارند، محصول بنگاه‌های مختلف همگن می‌باشد و رقابت به‌عنوان تخصیص دهنده منابع، اثری مهم بر جای می‌گذارد و این اثر است که موجب نزدیکی قیمت‌های بازار به قیمت‌های طبیعی یعنی همان قیمت‌های رقابتی می‌شود» (خداداد کاشی، ۱۳۸۸، ۴۰-۲۵).

به عقیده این اقتصاددانان، رفتار اقتصادی افراد تابع نفع شخصی آن‌هاست و اگر افراد بدون دخالت دولت در اقتصاد، اقدام به کسب نفع شخصی خودنمایند، اقتصاد به تعادل می‌رسد. در واقع، اقتصاددانان کلاسیک معتقد به دست نامرئی بودند که اقتصاد را خودبه‌خود به تعادل می‌رساند. این دست نامرئی همان تعقیب نفع شخصی است که برای مصرف‌کننده، رسیدن به حداکثر ارضاء خواست‌ها و برای تولیدکننده، دستیابی به حداکثر سود ممکن می‌باشد. کلاسیک‌ها معتقد بودند که صرفاً سازوکار بازار آزاد یعنی عملکرد نیروهای مربوط به عرضه و تقاضا و برخورد این دو با هم است که سیاست‌های تثبیت‌کننده اقتصادی یعنی عوامل جلوگیری‌کننده از بیکاری و تورم را به وجود می‌آورد. در واقع ایشان نظام مطلوب را بازار آزاد و بدون محدودیت تلقی کردند که به دلیل رقابت اعضاء با یکدیگر، نظامی خودکنترل است و هیچ فردی در آن نمی‌تواند منافع دیگران را در بلندمدت مورد سوءاستفاده قرار دهد (قدیری اصل،

۱۳۹۹، ۷۵). این مکتب بر این اعتقاد بود که بازار آزاد، یگانه راه رشد اقتصادی است و در نتیجه، برای حفظ رقابت نیز باوری به وضع قوانین - که از مظاهر دخالت دولت به شمار می‌رفت - نداشت و بدین ترتیب، نقش بسیار مهمی را در توسعه و تبیین مفهوم رقابت ایفا نمود. این عقاید به شدت در توسعه حقوق رقابت مؤثر واقع شدند و در اوایل قرن ۱۹، محدودیت‌های دولتی به شکل قابل توجهی کاهش یافت، قوانین بسیاری وضع شد که آزادی تجاری را تضمین نمود و در نتیجه، تلاش‌های اقتصادی بدون هیچ فشار و رابطه دولتی صورت پذیرفت (وکیلی مقدم، ۱۳۸۹، ۲۶). مکتب نئوکلاسیک نیز یکی دیگر از مکاتب اقتصادی مهم در این حوزه است که با پایه قراردادن نظریات کلاسیک‌ها، اقتصاد را از سطح کلان به سطح خرد کشید و رفتار فرد و بنگاه تولیدی را مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. در عین حال، این مکتب نیز، رقابت را مهم‌ترین شیوه ایجاد کارایی اقتصادی معرفی نمود و بهترین دولت را دولت حداقلی معرفی کردند (دادگر، ۱۳۸۳، ۳۵۶). اما انتقادات وارد بر مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک موجب شد تا اقتصاد کینزی به منصف ظهور برسد. این مکتب، اصل بازار آزاد و مالکیت خصوصی را پذیرفت، ولی برخلاف دو مکتب قبلی، نقش بیشتری را برای مداخله دولت در ایجاد عدالت اجتماعی از جمله در تمهید نظام اجتماعی، آموزش رایگان، ترویج بهداشت عمومی، وضع قوانین کار، تدوین مقررات برای حمایت از مصرف‌کننده، تأمین اشتغال و... در نظر گرفت. این مکتب در حال حاضر، به عنوان دیدگاه اقتصادی غالب دولت‌های غربی به شمار می‌رود (غفاری فارسانی، ۱۳۹۳، ۱۰۱).

در حقیقت حقوق رقابت از این جهت که به تحقق آزادی کسب‌وکار ضمن حمایت از قواعد حقوقی و عدم تضییع حقوق دیگران دلالت دارد، تأمین‌کننده بخشی از حقوق عمومی اقتصادی است. اصول کلی حقوق رقابت در اسلام نیز پذیرفته شده است. «نظام حقوقی اسلام ضمن آنکه به اراده و تراضی معامله‌کنندگان احترام می‌گذارد، برای آنکه افزون‌طلبی‌های طرف‌های معامله با ارتکاب اعمال فریبکارانه از حد اعتدال و عرف تجاری خارج نگردد و ستم و زیان ناروا به طرف یا طرف‌های دیگر معامله وارد نشود و در نتیجه اقتصاد جامعه دچار تزلزل و آشفتگی نشود، برخی اصول و قواعد را وضع کرده تا عدالت رعایت شود و حقوق خریداران و فروشندگان، محترم شمرده شود. اصول و قواعدی همچون قاعده لاضرر، اصل قسط (عمل بر مبنای عدالت)، اصل عدم تدلیس (عدم فریبکاری در اوصاف متعلق عقد) اصل عدم غبن (عدم معامله با قیمتی افزون‌تر از ارزش اقتصادی آن معامله)، اصل عدم احتکار (عدم ذخیره یا امتناع از فروش کالا در بازار)، اصل عدم اکل مال به باطل و... از جمله این موارد می‌باشند» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸، ۴۸). بررسی مصادیق قابل تطبیق با حقوق رقابت در اسلام بیانگر آن است که موضع اسلام در مقابل حقوق رقابت، رد یا تأیید کامل نیست درواقع، برخی موارد که احکام و ضوابط حقوق رقابت در راستای تحقق اهدافی است که مورد پذیرش اسلام می‌باشد - مانند مقرراتی که مبنای آن‌ها رعایت نفع عمومی است را می‌توان مورد تأیید اسلام دانست (وکیلی مقدم، ۱۳۸۹، ۴۰-۳۰)؛ اما در مقابل، مواردی که ضوابط حقوق رقابت تنها بر اساس مبانی لیبرالیسم و سرمایه‌داری توجیه‌پذیر است مانند رقابت آزادانه

ماده ۱ تعریف شده است؛ انحصار، احتکار و تمرکز ثروت از مؤلفه‌های مهم احراز آن می‌باشند. بر این اساس، اصلی‌ترین و مهم‌ترین هدف مقررات فصل نهم این قانون حفظ رقابت و جلوگیری از اخلاف یا کاهش آن می‌باشد» (صادقی مقدم؛ غفاری فارسانی، ۱۳۹۰، ۱۴۶-۱۱۳).

«هرچند در فصل نهم قانون یاد شده به‌صراحت از کارآیی و حمایت از منافع مصرف‌کنندگان سخنی به میان نیامده است، اما در مصوبات زمینه‌ساز وضع این مقررات به‌ویژه به کارآیی اشاره شده است؛ بند (ج) سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، یکی از اهداف مهم واگذاری را ارتقاء کارآیی اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فن‌آوری می‌داند و این هدف‌گذاری باید در تفسیر و اجرای مقررات نیز مدنظر قرار گیرد. درعین‌حال، در مقرره‌های فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به‌ویژه در مواد ۴۴ تا ۵۲ این قانون، ردپای کارآیی و به‌تبع آن رفاه مصرف‌کنندگان در تعیین اعمال ضد رقابتی از غیر آن‌ها دیده می‌شود. علاوه بر این، در بند ۲۰ ماده ۱ قانون مذکور که در آن اخلاف در رقابت تعریف گشته است، اضرار به عموم و به بیان اقتصادی رفاه مصرف‌کنندگان و کاهش مهارت و ابتکار در جامعه یا همان ناکارآیی تولیدی و پویا از ضابطه‌های مهم احراز آن مفهوم دانسته شده است. البته لازم به ذکر است که در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌هایی از اهداف غیراقتصادی در حقوق رقابت دیده می‌شود» (دادگر، ۱۳۸۶، ۶۵) و «بدین ترتیب نیز اهمیت آن‌ها برای نظام اقتصادی انکارناپذیر می‌نمایند. به‌عنوان مثال، بند ۳ ماده ۴۴، شق ۳ بند الف،

و نه عادلانه، پذیرش آن‌ها از سوی اسلام کاملاً محل مناقشه و تردید می‌باشد؛ به‌عنوان نمونه در مباحثی که رقابت آزادانه صرفاً مدنظر قرار می‌گیرد و در راستای تحقق منافع اقتصادی بیشتر آشکارا بی‌عدالتی رخ می‌دهد، موضع اسلام تأیید نمی‌باشد.

۵-۱-۳-۱. سیاست‌های رقابتی در ایران

«بند (ج) سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۵ / ۴ / ۱۲ به‌صراحت برافزایش رقابت‌پذیری به‌عنوان یکی از جهت‌گیری‌های خصوصی‌سازی اشاره دارد. این امر بیانگر آن است که در نظام اقتصادی ایران، به رقابت به دیده ارزشی مستقل نگریسته شده است» (رشوند بوکانی، ۱۳۸۸، ۲۳۰). همچنین «در بند الف ماده ۳۷، و دیگر مواد قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف شده است که نظام‌های قانونی، حقوقی و اقتصادی مناسب را در جهت رقابت‌پذیری اقتصاد فراهم نماید. همچنین از منظر تدوین‌کنندگان این پیش‌نویس، جلوگیری از اخلاف در رقابت از ویژگی‌های اصلی آن بوده است» (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۴، ۲۵۰). بنابراین، «تردید نیست که منع رفتارهای ضد رقابتی و حذف و کنترل انحصارات از انگیزه‌های اصلی تدوین فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بوده است که از همین روی نیز فصل مزبور، تسهیل رقابت و منع انحصار نام‌گذاری شده و این مسئله بیانگر اهمیت ذاتی نفس رقابت است. همچنین، در مواد ۴۴ و ۴۵ این قانون که اعمال ضد رقابتی را بر می‌شمارند، معیار ممنوعیت این اعمال، اخلاقی دانسته شده است که در نتیجه آن‌ها بر رقابت وارد می‌شود. این معیار در بند ۲۰

۵-۱-۳-۲. ضرورت اجرای سیاست‌های رقابتی در راستای تحقق حقوق عمومی اقتصادی

با وجود قوانین مختلف در حمایت از رقابت در حقوق ایران اما هنوز در برخی زمینه‌ها، رویکردها و سیاست‌های ضد رقابتی وجود دارد که لازم است برطرف شود. به عنوان مثال «در قوانین و بخشنامه‌های موجود برخی از نهادهای عمومی غیردولتی شامل سازمان تأمین اجتماعی (موضوع بند ج ماده (۱۳۹) قانون مالیات‌های مستقیم)، فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران و سازمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی (موضوع بند ی ماده (۱۳۹) قانون مالیات‌های مستقیم) و صندوق بیمه تأمین اجتماعی روستاییان و عشایر و مؤسسه‌های جهاد نصر جهاد استقلال و جهاد توسعه زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی (به موجب مفاد بند ۲ قانون مالیات‌های مستقیم) معاف از مالیات‌اند. به عبارت دیگر این نهادها در فعالیت‌های اقتصادی خود ملزم به پرداخت مالیات نیستند» (مؤذنی، ۱۳۹۳، ۳۷).

«تداوم معافیت مالیاتی این نهادها آستان قدس و دو آستان دیگر (به جز آستان‌های قدس رضوی، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و حرم حضرت معصومه (س) و همچنین شرکت‌ها و مؤسسات تابعه آن‌ها موضوعی است که می‌تواند منشأ شکل‌گیری تبعیض بین فعالان اقتصادی باشد. این امر می‌تواند آثار ضد رقابتی را در اقتصاد ملی گسترش دهد. بررسی سطح گسترده فعالیت‌های اقتصادی و تعداد شرکت‌ها و مؤسسات این نهادها و آستان‌ها و همچنین بررسی سهم تولیدات آن‌ها در تولید ناخالص داخلی کشور می‌تواند تأثیر فعالیت این مؤسسات و شرکت‌ها را در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور نشان دهد. برای مثال

بندهای ب، د و ط ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را می‌توان بر عدالت و انصاف نیز مبتنی دانست. همچنین، بندهای د، و و ط ماده ۴۵، مواد ۴۷، ۴۸ و ۵۰ قانون مزبور، هدف حمایت از بنگاه‌های کوچک و جلوگیری از تمرکز بازار را نیز در دستور کار خود دارند. یکی از اهداف بند ۲ ماده ۴۸ را نیز می‌توان حمایت از اشتغال دانست. علاوه بر این، تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص و سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور از جمله مالک‌های احراز اخلاص در رقابت، موضوع بند ۲۰ ماده ۱ این قانون، تعیین شده‌اند؛ این موضوعات از دغدغه‌های عدالت توزیعی حکایت دارند و از همین روی شکی نیست که در حقوق رقابت ایران اهداف غیراقتصادی نیز مدنظر می‌باشند» (صادقی مقدم؛ غفاری فارسانی، ۱۳۹۰، ۱۴۶-۱۱۳). در نهایت باید اظهار داشت که اهداف حقوق رقابت به شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر نظام حقوقی بستگی دارند و ممکن است در نتیجه تغییر شرایط، این اهداف از زمانی به زمان دیگر متفاوت بوده یا ترتیب اولویت میان آن‌ها دستخوش تغییر شود. باین حال، به طور کلی «روح حقوق رقابت ثابت بوده و هدف از آن حفظ رقابت برای افزایش کارایی اقتصادی به سود مصرف‌کنندگان می‌باشد» (صادقی مقدم؛ غفاری فارسانی، ۱۳۹۰، ۱۱۸). با توجه به آنچه بیان آن گذشت، در نظام حقوقی ایران نیز هدف مزبور به عنوان «اصل» باید تلقی گردد و اهداف غیراقتصادی باید صرفاً در مواردی که به آن‌ها تصریح شده و نیز به طور استثنایی و به هنگام مصلحت به کار گرفته شوند.

آستان قدس رضوی یکی از موارد معاف از پرداخت مالیات‌های موضوع قانون مالیات‌های مستقیم است آستان قدس رضوی با دارا بودن حدود ۴۴ شرکت و مؤسسه با صد درصد سهام و شصت شرکت و مؤسسه دیگر با سهام کمتر از سقف ۵۰ درصد، فعالیت‌های اقتصادی را در بخش‌های صنعتی و معدنی، کشاورزی و دامپروری و فعالیت‌های خدماتی، عمرانی و درمانی انجام می‌دهد» (معاونت برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳، ۲۲۲).

«همه فعالان زیرمجموعه سازمان اقتصادی آستان قدس رضوی دارای امتیاز قانونی معافیت مالیاتی است و به واسطه این معافیت، هزینه‌های متوسط پایین‌تری را نسبت به رقبای خود در هر سطح و واحد تولید (با فرض سطح کیفیت برابر) پرداخت می‌کنند. با فرض ثبات سایر عوامل مؤثر در فعالیت اقتصادی رده‌های مختلف، شغلی شرایط نابرابر تحمیل شده به واسطه عامل برون‌زا (بخشی از قانون مالیات‌های مستقیم) می‌تواند رقابت بین فعالان اقتصادی بخش‌های موردنظر را مختل کند. این موضوع علاوه بر ایجاد بسترهای شکل‌گیری انحصار در برخی از بخش‌های اقتصادی می‌تواند اقتصاد را از نقاط بهینه تخصیص منابع دور کند. در شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی که آستان قدس رضوی و دو آستان دیگر (حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و حرم حضرت معصومه (س) سهامدار محسوب می‌شوند، شرکا یا سایر سهام‌داران مالیات موضوع قانون مالیات مستقیم (درآمدهای حاصل از سهام) را پرداخت می‌کنند، اما آستان‌های یادشده از پرداخت مالیات سهام خود معافاند. این موضوع توزیع درآمد بین فعالان اقتصادی را نیز در اقتصاد متأثر می‌کند» (وکیلی مقدم، ۱۳۸۹، ۳۶).

«علاوه بر انحصار دولتی به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی تشدید انحصار در اقتصاد ایران فعالیت گسترده بخشی به با عنوان مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی است. فربه‌شدن این بخش از اقتصاد در فرایند اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و واگذاری‌ها یکی از مشکلات اقتصاد ایران در خصوص گسترش بخش انحصاری اقتصاد در مقابل بخش رقابتی آن به شمار می‌آید. اشتباه نگارشی در تدوین بند ب ماده (۱) قانون برگزاری مناقصات موجب شده است تا برخی از نهادهای عمومی غیردولتی از شمول مفاد قانون برگزاری مناقصات مستثنا شوند. به بیان دیگر عبارت در مواردی که آن بنیادها و نهادها از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند. باید بعد از عبارت بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی می‌آمد که به اشتباه بعد از عبارت مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی آمده است. این موضوع به مستثنا شدن برخی از مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از مفاد این قانون منجر شده که خود موجب بروز نوعی تبعیض در نحوه و چگونگی برگزاری معاملات مناقصه‌ای بین مؤسسات عمومی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی شده است. با توجه به حجم فعالیت‌ها و سهم بالای مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در اقتصاد ایران استثنا کردن آن‌ها از شمول قانون برگزاری مناقصات می‌تواند با گسترش برخی از انحصارات، زمینه نقض اصل رقابت در معاملات اقتصادی این گروه از مؤسسات و نهادها را زایل کند و در نهایت موجب دور ماندن اقتصاد از کارایی در فرایندهای تولید شود. شمول قوانینی از این دست برای بعضی از بخش‌های اقتصادی در واقع ایجاد نوعی محدودیت همراه ضابطه‌مند کردن فعالیت و معاملات این بخش‌ها با قوانین و

مقررات مانند (قانون برگزاری مناقصات) موردنظر است» (مؤذنی، ۱۳۹۳، ۴۳).

اما در شرایط برابر عدم شمول و استثناء شدن برخی از بخش‌های دیگر (مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی) درواقع ایجاد نوعی فضای عمل آزاد برای آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی است. این امر می‌تواند هزینه فعالیت گروه اول را افزایش و گروه دوم را کاهش دهد. این امر علاوه بر مخدوش کردن اصل رقابت می‌تواند زمینه بروز فساد را افزایش دهد. به هر ترتیب همه این عوامل در کنار هم می‌توانند زمینه مناسبات و کارکرد بازار رقابتی را مختل کرده و بازار را از نقطه بهینه عملکردی دور سازد. مستثنا بودن نیروهای مسلح از دیگر مصادیق ضد رقابتی است.

۵-۲- رعایت اصل برابری

«اصل برابری یکی از قدیمی‌ترین و پایاترین اصول حقوق عمومی محسوب می‌شود. درعین حال این اصل در میان اصول حقوق موضوعه نیز دارای جایگاهی بسیار مهم است اما امروزه تحقق برابری در تمام زمینه‌ها اولویت نخست حکومت قانون است از این رو این اصل هنجاری بنیادین در قوانین اساسی نوین به شمار می‌رود» (ویژه، ۱۳۸۳، ۲۲۵-۲۱۳). بند ۹ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اشعار می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کاربرد: رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی....» «این قانون برابری را در برخی جنبه‌ها مورد تأکید قرار داده است مصداق بارز این بند می‌تواند برابری در دستیابی به مشاغل عمومی باشد. مهم‌ترین دلیل برای اهمیت این اصل در حقوق عمومی اقتصادی، قدرت برتر دولت

در برابر شهروندان و به‌خصوص اشخاص است در این راستا تعیین نقش و جایگاه اقتصادی دولت از مجادله برانگیزترین مباحث می‌باشد شاید بتوان نقش دولت را در سه عرصه تخصیص توزیع و تثبیت مورد ارزیابی قرار داد. این موارد میزان و چارچوب حضور دولت در اقتصاد را معین می‌کند باید میزان بهینه‌ای از مداخله دولت در اقتصاد وجود داشته باشد تا جامعه نه افراط حداکثری و نه تفريط حداقلی دولت در مداخله متضرر نشود و به‌نوعی توازن و تعادل میان دو طرف حفظ شود» (یوسفی راد، ۱۳۹۷، ۱۲۸-۱۰۳).

در دهه اخیر، اقتصاد ایران تغییرات قابل توجهی در درآمد سرانه و ضریب جینی ثبت کرده است. در بازه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ درآمد ملی سرانه ایرانیان بیش از ۳۶ درصد کاهش یافته است، درحالی‌که در همین بازه ضریب جینی، که نشان‌دهنده توزیع درآمدها در جامعه است، از ۰/۳۷ به ۰/۳۹ افزایش یافته است. به بیان ساده می‌توان گفت در این بازه، به‌طور متوسط درآمد هر ایرانی بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته، در عین آنکه توزیع درآمد نیز نابرابرتر شده است. یعنی علاوه بر آنکه به‌طور میانگین درآمد حقیقی تمام افراد جامعه کمتر شده است، دهک‌های کم‌درآمد و فقیر کاهش درآمد شدیدتری را تجربه کرده‌اند. گسترش فقر پیامد ناگزیر چنین تغییری در سطح و توزیع درآمد سرانه خواهد بود. آمارها نشان می‌دهد نرخ فقر از حدود ۱۹ درصد در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۳۰ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. در سال‌های اخیر، علاوه بر آنکه نرخ فقر افزایش یافته است، شکاف فقر نیز بیشتر شده است. شکاف فقر شاخصی است که میزان فاصله خانوارهای فقیر از خط فقر را نشان می‌دهد. هرچه این شاخص بزرگ‌تر باشد، یعنی شدت فقر

طبیعی است از حیث ماهوی کارکرد اصلی نهاد نظارتی برقراری نوعی تناسب منطقی بین این مقولات است با این و صف اصول متعددی در قانون اساسی ایران وجود دارند که به کرات توازی موضوعات حق محور از یکسو و ارزش‌های محدودکننده از سوی دیگر به همراه دارند مثل اصل نهم، بیستم و بیست و چهارم حال آنچه اهمیت می‌یابد عملکرد و آرای شورای نگهبان در این خصوص است که آیا صریحاً یا ضمناً از اصل تناسب و عناصر آن در مقام اظهارنظر استفاده نموده است یا نه؟ به‌ویژه در حوزه حقوق عمومی اقتصادی جایی که دولت و قانون‌گذار نسبت به اتخاذ راهکارها و ابزارهای متفاوت اقتصادی جهت نیل به اهداف مدنظر، اقدام می‌نمایند تأکید می‌شود ابزارهای مذکور معمولاً همراه با ایجاد نابرابری‌ها و تبعیضات هستند یا حاوی محدودیت‌هایی بر حقوق و آزادی‌های اقتصادی هستند. بدون شک شورای نگهبان در مقام اظهارنظر همواره اصل تناسب ابزارها و راهکارها در قبال حفظ تضمین حاکمیت و ارزش‌های دینی را در نظر داشته است تبعاً چنان‌که مقررهای حاوی کاهش قدرت حاکمیتی، بالأخص در حوزه نهادهای ذی‌ربط به مقام رهبری باشد، به علت علم تناسب مقرر مزبور را ابطال می‌نماید مثل بودجه صداوسیما و ... یا قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی که قانون‌گذار ترتیباتی برای مجمع عمومی بانک مرکزی پیش‌بینی کرده بود که جهت‌گیری به سمت استقلال بیشتری نسبت به دولت (قوه مجریه) داشته باشد. شورای نگهبان معتقد بود که تناسبی بین مجمع عمومی بانک مرکزی با اقتدار دولت بر بانک مذکور وجود ندارد. لذا مصوبه را ابطال اعلام نمود، بدون آنکه بانک مرکزی ریشه در قانون اساسی داشته باشد (اداره

خانوارهای فقیر بیشتر است. شکاف فقر از ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۷ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. این شواهد نشان می‌دهد در این بازه، نه تنها فقر افزایش یافته، بلکه عمیق‌تر شده است. یعنی نه تنها افراد بیشتری به زیرخط فقر رفته‌اند، بلکه فقرا، فقیرتر هم شده‌اند (ملکی، ۱۴۰۲، ۷۸-۳۵).

بنابراین شواهد نشان می‌دهد که علاوه بر گسترش فقر و شدت آن، میانگین درآمد سرانه نیز کاهش یافته است. افزایش نرخ و شدت فقر به معنای افزایش منابع مالی موردنیاز برای رفع فقر است، اما از طرفی کاهش درآمد سرانه به این معناست که کل منابع در دسترس برای باز توزیع به نفع فقرا محدود شده است. درواقع افزایش جمعیت فقرا از سویی و از سوی دیگر کاهش تولید ناخالص داخلی، بیانگر آن است که در شرایط فعلی کشور، صرف اتکا بر طرح‌های باز توزیعی و رفاهی نمی‌تواند علاج پدیده فقر در ایران باشد و ناگزیر، سیاست‌های حمایتی را باید در بستر رشد پایدار اقتصادی پیمود. در این شرایط سیاست‌های رفاهی و باز توزیعی تنها در صورتی می‌توانند کارآمد و مؤثر باشند که با رشد اقتصادی، ثبات اقتصاد کلان و افزایش درآمد سرانه همراه شوند. در غیر این صورت، تجربیات گذشته در ناکارآمدی عمده سیاست‌های حمایتی تکرار خواهد شد.

۵-۲-۱. رعایت اصل تناسب

زمینه پیدایش اصل تناسب در اصولی است که مقتضیات یک حق آزادی در کنار مقولات محدودکننده‌ای مثل منافع عمومی نظم عمومی و در حقوق ایران همچنین استقلال و موازین اسلامی قرار می‌گیرد. بنابراین در هر قانون اساسی که چنین موضوعاتی در کنار یکدیگر باشند

۶. نتیجه

نتایج نشان داد مهم‌ترین الزامات این است که عناصر حقوق عمومی اقتصادی در قوانین موضوعه موردتوجه قرار گرفته و اجرایی شود. وقتی شرایط و بسترهای قانونی حقوق عمومی اقتصادی در حقوق ایران فراهم نشود نمی‌توان به اجرایی شدن این عناصر در قالب برنامه‌های توسعه و ازجمله برنامه هفتم توسعه امید داشت. جایگاه اصول حقوق عمومی اقتصادی (حمایت از مالکیت، آزادی و برابری اقتصادی، تضمین و تخصص) در حقوق ایران علیرغم پذیرش حقوق اساسی اقتصادی در اصول ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۵۱ قانون اساسی همچنان با ابهامات و مجهولات حقوقی مواجه است. درواقع آنچه اهمیت دارد این است که بسترهایی حقوقی عناصر مختلف حقوق عمومی اقتصادی فراهم شود. در این صورت می‌توان انتظار داشت رویکردها و سیاست‌های برنامه هفتم در خصوص حقوق عمومی اقتصادی اجرایی شود. سازمان برنامه ایران الزاماً باید سازانی با تفکر اجتماعی و تفکر توسعه‌ای باشد چنین سازمان برنامه‌ای باید دسترسی به مجموعه‌ای از متفکران اجتماعی داشته باشد، متفکرانی که مسائل اقتصادی جامعه را با ابعادی بسیار فراتر از فنون اقتصادی ببینند و تصمیم بگیرند. پیوند ارگانیک این سازمان با مراکز علمی دانشگاهی، فضای روشنفکری کشور و با نهادهای مردمی و مردم، ضرورت برجای‌مانده ایست که باید به‌عنوان یک گام حیاتی در برنامه‌ریزی رشد و توسعه اقتصادی و همه‌جانبه سازمان‌دهی شود.

کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، ۱۰). اما در موارد متعدد دیگری شورای نگهبان توجهی به مقتضیات قدرت حکومت و تعدیل حق‌های بشری ندارد و معمولاً فقط یک محور را برجسته نموده و محور دیگری را نادیده می‌گیرد به تعبیر دیگر شورای نگهبان به‌صورت یک‌طرفه تمام حمایت خود را معطوف به حقوق افراد می‌نماید بدون اینکه اقتدارات حکومتی را در نظر بگیرد و باینکه قدرت دولت را تضمین نموده و حقوق افراد را در آن زمینه کاملاً نادیده می‌گیرد. همین بس که شورای نگهبان تاکنون در اعمال نظر خود، هیچ‌گاه به اصل نهم قانون اساسی که درواقع مهم‌ترین اصل قانون اساسی است که دلالت مستقیم بر اصل تناسب دارد، استناد نکرده است. اما نمونه‌هایی که شورای نگهبان می‌توانست به اصل تناسب نموده و به تعدیل قدرت عمومی یا تعدیل حقوق افراد می‌پرداخت و منافع عمومی و خصوصی با یکدیگر تلفیق می‌نمود مبادرت به چنین امری نکرده است، بسیار زیاد هستند. در باب قانون نظام صنفی کشور مصوب ۲۴ / ۱۲ / ۸۲ که در تاریخ ۲۸ / ۱۲ / ۸۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است، سخت‌گیرانه‌ترین محدودیت لازم بر آزادی شغل و کسب‌وکار در نظر گرفته شده است، به ترتیبی که آزادی شغل مذکور در اصل ۲۸ در حاشیه است شورای نگهبان به‌راحتی چنین اعمال محدودیتی بر یک حق فردی را پذیرفته است (مؤذنی، ۱۳۹۳، ۳۰۷-۳۰۶)، اما در نمونه دیگری که اتخاذ سیاست موضوع قانون جزو لوازم منطقی و ضروری دولت‌های تنظیمی است، قدرت قانون‌گذاری را شدیداً محدود کرده است که منطقی و متناسب نیست.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت مساوی در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- پروین، خیرالله، مبانی حقوق عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۳.
- خداداد کاشی، فرهاد، «دیدگاه‌های مختلف در مورد مفهوم و نظریه رقابت و تطبیق آن با وضعیت رقابت در بخش صنعت ایران»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره پنجاه و یکم، ۱۳۸۸.
- دادگر، یداله، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، چاپ دوم، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۳.
- دادگر، یداله، مالیه عمومی و اقتصاد دولت، چاپ اول، تهران، انتشارات نورعلم، ۱۳۸۶.
- دفتر مطالعات اقتصادی، لایحه قانون رقابت مبانی و تجربه کشورها، چاپ اول، تهران، نشر شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۴.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۸.
- رشوند بوکانی، مهدی، حقوق رقابت در فقه امامیه - حقوق ایران و اتحادیه اروپا، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.

- صادقی مقدم، محمدصادق؛ غفاری فارسانی، بهنام، «روح حقوق رقابت (مطالعه تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره هفتاد و سوم، ۱۳۹۰
- عبدالحسین زاده، محمد، «نقش و جایگاه نظام شورایی و شوراهای عالی در نظام حکمرانی»، فصلنامه تحول اداری، شماره شصت و یکم، ۱۳۹۹.
- عزیزنژاد، صمد؛ شهبازی غیاثی، موسی؛ روحانی، سید علی، آسیب شناسی نظام بانکی کشور، چاپ اول، تهران، نشر مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸.
- علاءالدینی، امیرعباس، «حقوق رقابت بارویکردی به قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد نجات الله ابراهیمیان، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- غفاری فارسانی، بهنام، حقوق رقابت وضمانت اجراهای مدنی آن، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- قدیری اصل، باقر، سیر اندیشه اقتصادی، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، ضرورت تأسیس رگولاتور مستقل در صنعت برق،
- چاپ اول، تهران، نشر مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸.
- معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، گزارش پشتیبان لایحه تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات، چاپ اول، تهران، نشر دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۳.
- ملکی، امیر، «تحلیل جامعه‌شناختی سیاست‌های کاهش فقر و نابرابری اجتماعی در برنامه‌های توسعه راهکارها و توصیه‌های سیاستی برای تدوین برنامه هفتم توسعه»، نشریه توسعه اجتماعی، شماره سوم، ۱۴۰۲.
- منوری، حسین، «نظارت بر رقابت و انحصار اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد ولی رستمی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- مؤذنی، روح‌الله، اصول حقوق عمومی اقتصادی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، ۱۴۰۳.
- مؤذنی، روح‌الله، حقوق عمومی اقتصادی مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
- وکیلی مقدم، محمدحسین، توافقات ضد رقابت تجاری، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتاب همگان با همکاری نشر میزان، ۱۳۸۹.

- ویژه، محمد رضا، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، نشریه حقوق اساسی، شماره اول، ۱۳۸۳.
- یاوری، اسدالله، «درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، شماره دوم، ۱۳۹۳.
- یوسفی راد، فرشید، «مطالعه حق برابری و تبعیض در نظام حقوقی ایران»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، شماره سیزدهم، ۱۳۹۷.

